



فرہنگ زبان  
فارسی باستان

دکتر جنگیز مولایی

۱۹۱۵ء

گنجینه زبان‌های ایرانی (۳)

فرهنگ - واژه‌نامه

فرهنگ زبان فارسی باستان



ناشر ایران شناسی و خاورشناسی

مرکز پخش: ایران، تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) کوچه مبین، شماره ۴، پخش ققنوس

[www.avayekhavar.ir](http://www.avayekhavar.ir)

[info@avayekhavar.ir](mailto:info@avayekhavar.ir)

[khavar.pub@gmail.com](mailto:khavar.pub@gmail.com)

Telegram & Tel: (+98) 930 554 0308

Tel: (+98) 21 888 956 21

---

## فرهنگ زبان فارسی باستان

نویسنده: دکتر چنگیز مولایی

ناشر: آوای خاور

طراح: علیرضا کرمی

چاپ و صحافی: جنگل

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ نخست: زمستان ۱۳۹۹

ISBN: 978-600-9923-21-2

---

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات آوای خاور است. هرگونه نسخه برداری اعم از زیراکس و بازنویسی ذخیره کامپیوتری بدون مجوز کتبی ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل تعقیب است.

# فرهنگ زبان فارسی باستان

دکتر چنگیز مولایی

استاد دانشگاه تبریز

آوای خاور

تهران ۱۳۹۹



- سرشناسه : مولایی، چنگیز، ۱۳۴۵ -  
عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ زبان فارسی باستان / نویسنده چنگیز مولایی.  
مشخصات نشر : تهران: آوای خاور، ۱۳۹۸.  
مشخصات ظاهری : ۴۷۶ ص.  
فروست : گنجینه زبان های ایرانی. فرهنگ - واژه نامه؛ ۳.  
شابک : 978-600-9923-21-2  
وضعیت فهرست : فیبا  
نویسی  
موضوع : کتیبه های فارسی باستان -- واژه نامه ها  
موضوع : Old Persian inscriptions -- Dictionaries  
موضوع : فارسی باستان -- واژه نامه ها -- فارسی  
موضوع : Old Persian language -- Dictionaries -- Persian  
رده بندی کنگره : ۴۱۳۹۸۱۶۴۴۲PIR / ف۸م  
رده بندی دیویی : ۴ فاه / ۰۲۵  
شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۲۵۷۴۵

## فهرست

۷	پیشگفتار
۱۵	اختصارات
۱۵	علائم اختصاری کتیبه‌ها
۱۷	علائم اختصاری اصطلاحات
۱۸	نشانه‌ها
۱۹	معادل انگلیسی برخی از اصطلاحات

### بخش نخست

۲۳	فهرست لغات کتیبه‌های فارسی باستان
۶۳	اندیشه‌نگارها
۶۵	نشانه‌های اعداد

### بخش دوم

۶۹	واژه‌نامه تفصیلی کتیبه‌های فارسی باستان
۴۲۷	اختصارات کتاب‌شناختی
۴۲۹	کتابنامه
۴۳۹	نمایه واژه‌ها



## پیشگفتار

در تدوین لغتنامه حاضر تا حدودی از شیوه مرسوم و متداول در فرهنگ‌نویسی که اساساً مبتنی بر رعایت اختصار در گزارش اطلاعات مربوط به تعریف و تبیین مؤلفه‌های معنایی لغات و تعیین نوع دستوری و ذکر اشتقاق آنها است، عدول شده و مطالب ذیل مداخل، تا آنجا که ضرورت داشت، با ذکر امثله و شواهدی از متون موجود فارسی باستان، همراه با نقد و بررسی آراء محققان در خصوص معانی و وجه اشتقاق لغات، کاربرد نحوی آنها در بافت جملات، قرائت و بازسازی لغات و عبارات آسیب‌دیده کتیبه‌ها، به تفصیل آمده است. این مجموعه در دو بخش به شرح زیر تدوین شده است:

بخش اول مشتمل بر فهرستی از لغاتی است که در کتیبه‌های فارسی باستان به کار رفته‌اند. این لغات بر اساس مخارج حروف به الفبای اصلی تنظیم شده‌اند. در برابر هر لغت، نخست حرف‌نویسی، سپس واج‌نویسی آن آمده است. در برابر صیغه‌های افعال پس از حرف‌نویسی و واج‌نویسی به ریشه‌های آنها در بخش واژه‌نامه تفصیلی ارجاع داده شده است. شیوه اخیر در مورد برخی از صورت‌های صرفی اسامی و صفت‌ها و ضمائر نیز اتخاذ شده است که به نظر می‌رسید، یافتن ستاک یا ماده آنها در واژه‌نامه تفصیلی قدری دشوار باشد. پس از ترتیب الفبایی لغات، اندیشه‌نگارها (Ideogram) یا به تعبیر برخی از محققان واژه‌نگارها (Logogram) ذکر شده‌اند. در بخش پایانی این فصل، فهرستی از علایم و نشانه‌هایی آمده است که در خط میخی فارسی باستان از آنها برای نشان دادن اعداد استفاده می‌شده است. تعداد این علایم اندک است. غالباً این نشانه‌ها در کتیبه داریوش در بیستون استعمال شده‌اند. فقط دو نشانه در کتیبه کاخ داریوش در شوش و دو نشانه دیگر در دو وزنه متعلق به عهد داریوش اول به کار رفته‌اند. در برابر علایم



عددی نخست معادل آنها به اعداد رومی آمده، سپس موارد استعمال آنها در کتیبه‌ها ذکر شده است.

بخش دوم با عنوان «واژه‌نامه تفصیلی کتیبه‌های فارسی باستان» در واقع پیکره اصلی این لغتنامه را تشکیل می‌دهد. در این بخش ریشه‌های افعال، ستاک‌های اسم و صفت؛ ضمائر شخصی، موصولی و اشاره، حروف اضافه، حروف ربط و قیود، به ترتیب الفبایی بررسی شده‌اند. مباحثی که ذیل مداخل مربوط به هر یک از این مقولات طرح شده، اجمالاً به شرح زیر است:

### الف) ریشه

۱- در برابر ریشه معنی آن آمده، سپس زیر ریشه ماده یا ماده‌هایی ذکر شده است که صیغه‌هایی از آن ماده یا ماده‌ها در کتیبه‌های فارسی باستان به کار رفته‌اند. ترتیب ذکر ماده‌ها از این قرار است: ماده مضارع، واداری، آغازی؛ ماده نقلی؛ ماده مجهول؛ ماده ماضی. پس از ماده‌ها، صفت فاعلی (در هر دو باب گذرا و ناگذر) و صفت مفعولی مشتق از ریشه مورد بحث، چنانکه در کتیبه‌ها استعمال شده باشند، ذکر شده‌اند. اگر ریشه‌ای همراه با صورت‌های صرفی اسامی و صفت‌ها بر مفهومی خاص دلالت می‌کرد، چنانکه مثلاً ریشه *ah-* «بودن» با اسمی در حالت اضافی بر مفهوم «به کسی / چیزی تعلق داشتن، از آن کسی یا چیزی بودن» دلالت می‌کند، چنین مفهومی نه در کنار معنی یا معانی اصلی ریشه، بلکه پس از ذکر ماده‌های فعلی قید شده و برای هر موردی شاهدی از کتیبه‌های فارسی باستان ذکر شده است.

۲- پس از توضیح مؤلفه‌های معنایی ریشه و ذکر ماده‌های آن، صیغه‌های افعال، به ترتیب زیر آمده‌اند:

فعل مضارع اخباری، فعل ماضی استمراری، فعل انشایی، فعل امر، فعل مضارع التزامی، فعل تمنایی، فعل ماضی نقلی و فعل ماضی ساده سین‌دار و بی سین (اول، دوم و سوم شخص مفرد، مثنی و جمع گذرا و ناگذر). صورت‌های صرفی صفت‌های فاعلی و مفعولی بعد از صیغه‌های افعال ذکر شده‌اند. اگر یکی از صورت‌های صرفی یا صیغه‌های افعال کارکرد ویژه‌ای داشته باشد و یا در باره بازسازی و یا ساختار آن آرای متفاوتی ارائه شده باشد، زیر همان صیغه یا صورت صرفی، با قدری تورفتگی، به تفصیل و با ذکر جزئیات بررسی شده است.

۳- صیغه‌هایی از افعال که با پیشوند از ریشه بنا شده‌اند، بعد از صیغه‌هایی آمده‌اند که

فاقد پیشوند هستند. در چنین مواردی، پس از ذکر معنی ریشه + پیشوند و معادل آن در اوستایی و ودایی، صیغه‌های مشتق از آن ذکر شده‌اند. اگر صیغه‌های افعال فقط از ریشه + پیشوند بنا شده باشند و از ریشه بدون پیشوند فقط صورت صرفی یکی از مشتقات فعلی (صفت فاعلی و مفعولی) به کار رفته باشد، در این صورت آن صورت صرفی مشتق فعلی، مقدم بر صیغه یا صیغه‌های افعال آمده است؛ مثلاً xšayamna در حالت فاعلی مفرد مذکر که در اصل صفت فاعلی ناگذر است، پیش از patiyaxšayaiy فعل ماضی استمراری اول شخص مفرد ناگذر ذکر شده است.

۴- در مبحث اشتقاق که مبحث پایانی همه مدخل‌ها است و همه جا با علامت \* مشخص شده است، نخست اصل و معنی ریشه در هندوایرانی متقدم، سپس معادل آن در زبان‌های اوستایی (هر دو گویش قدیم و متأخر) و ودایی آمده است. به هنگام ذکر معادل ریشه و ماده‌های فعلی مشتق از آن در زبان‌های هندی و ایرانی باستان، این اصل مهم در مد نظر بود که برای تطبیق و مقابله ساخت‌های مختلف ماده‌های افعال در فارسی باستان با ساخت‌های همسان در اوستایی و ودایی، فقط معادل همان ساختی ارائه گردد که در فارسی باستان به کار رفته است. از بازمانده‌های ریشه‌های افعال در زبان‌های ایرانی میانه و نو، غالباً به بازمانده آنها در زبان‌های ایرانی میانه غربی (پهلوی اشکانی و فارسی میانه) و فارسی نو اشاره شده و کمتر به زبان‌های ایرانی میانه شرقی (سغدی، سکایی، خوارزمی و بلخی) و دیگر گویش‌های ایرانی نو پرداخته شده است.

### ب) ستاک‌های اسم، صفت، ضمائر

۱- در برابر ستاک‌های اسم، صفت و ضمائر، نخست نوع دستوری آنها قید شده، سپس معنی ستاک آمده است. در صورتی که ستاک اسم یا صفتی از مؤلفه‌های معنایی مختلفی برخوردار بود، معانی مختلف، زیر ستاک از هم تفکیک شده و برای هر کدام شاهدی از متون موجود ارائه گردیده است. در میان لغات فارسی باستان، شماری لغت صرفاً نه بر مفهوم لغوی، که به عنوان اصطلاحی فنی بر مفاهیمی خاص دلالت می‌کنند. مثلاً واژه ba<sup>h</sup>daka چنانکه غالباً تصور شده است، صرفاً به معنی «بنده، غلام و خدمتکار» نبوده، بلکه اصطلاحی فنی بود که برای اشاره به هر یک از اعضای سازمانی نظامی یا گروه ارتشتاران سرسپرده شاه بزرگ به کار می‌رفت که احتمالاً بسیاری از سنت‌های آیینی «گروه نبردگان آریایی» را حفظ کرده بود. از این قبیل است لغات kāra- «سپاه، مردم»، marika- «جوان (نبرده)»، hainā «سپاه دشمن». این دسته از لغات، تا آنجا که منابع موجود

اجازه می‌داد، تعریف و مفاهیم فنی و اصطلاحی آنها به تفصیل توضیح داده شد.

۲- پس از تعریف لغت، حالت دستوری صورت یا صورت‌های صرفی ستاک ذکر شده است؛ این حالات دستوری به ترتیبی که در این مجموعه آمده، عبارتند از: حالات فاعلی، مفعولی، مفعولی معه، مفعولی له، مفعولی عنه، مفعولی فیه، اضافی و ندایی. نخست صیغه‌های مفرد، سپس صیغه‌های مثنی و جمع آمده و موارد استعمال آنها در کتیبه‌ها ذکر شده است. می‌دانیم که صفت‌ها دارای جنس دستوری مستقل نیستند و جنس آنها تابع موصوف است. بنابر این صفتی بالقوه می‌تواند سه دسته از اسامی مذکر، مؤنث و خنثی را توصیف کند. در این قبیل موارد، نخست صورت‌های صرفی مذکر آن صفت، سپس به ترتیب صیغه‌های مؤنث و خنثی آمده است. اگر اسمی علاوه بر صورت املایی خود، دارای اندیشه‌نگار نیز بود، صورت یا صورت‌های صرف‌شده اندیشه‌نگارها بلافاصله پس از صیغه‌های صرفی همان اسم ذکر شده است.

۳- در صورتی که صیغه‌ای به دلایل مختلف نیازمند توضیح بود؛ مثلاً قرائت‌های مختلفی در باره آن ارائه شده بود، یا در مورد حالت دستوری آن محققان اختلاف رأی داشتند؛ جزئیات امر، با قدری تورفتگی، زیر همان صیغه شرح شده است.

۴- همه صیغه‌های منفصل و متصل ضمیر اول شخص زیر adam و ضمیر دوم شخص زیر tuvami آمده است؛ مع‌هذا هر یک از این صیغه‌ها در ترتیب الفبایی خود نیز ذکر و به ضمائر مذکور بازگشت داده شده است.

۵- زیر اسامی ایالات و اماکن جغرافیایی، تا آنجا که منابع موجود اجازه می‌داد، حدود و ثغور آنها تعیین گردید و توضیح مبسوطی در باره اشتقاق آنها ارائه شد. گونه‌های عیلامی، اکدی، یونانی و در مواردی آرامی اسامی جغرافیایی، اگر ابهامی را از تلفظ فارسی باستان اسامی برطرف می‌کردند، در بخش اشتقاق آمدند؛ در غیر این صورت همراه با علامت \*\* پس از مبحث اشتقاق ذکر شدند.

### ج) حروف اضافه و حروف ربط

حروف اضافه و ربط در این لغتنامه مورد توجه خاص قرار گرفته، معانی و کارکرد نحوی آنها با تفصیل بیشتری بررسی شده است. در برابر حروف اضافه معنی یا معانی آنها ذکر شده و زیر هر حرف اضافه موارد استعمال آن در کتیبه‌های فارسی باستان آمده است. سپس کارکرد نحوی حرف اضافه، مبنی بر اینکه عامل چه نوع حالت یا حالات دستوری است، همراه با ذکر مثال از کتیبه‌ها بررسی شده است. چنین شیوه‌ای در باره

حروف ربط نیز اتخاذ شده است، بدین معنی که پس از تعیین نوع حروف ربط، اینکه حرف ربط مورد بحث جزء حروف ربط همپایه‌ساز است یا پیرو ساز، قالب یا قالب‌هایی که هر یک از حروف متعلق به این دو دسته، در آن به کار رفته‌اند، با ذکر مثال یا مثال‌هایی از کتیبه‌ها بررسی شده‌اند.

#### د) اجزای تشکیل‌دهنده واژه‌های مرکب

در کتیبه‌های موجود فارسی باستان، اجزای مستقل ترکیب شونده برخی از واژه‌ها و اسامی مرکب، به تنهایی استعمال نشده‌اند و آگاهی ما از وجود این واژه‌ها در زبان فارسی باستان از طریق تعدادی از کلمات مرکبی است که این قبیل لغات را در بر دارند؛ مثلاً واژه *uša-* (معادل واژه اوستایی *uštra-*) به معنی «شتر» به تنهایی در کتیبه‌ها به کار نرفته است، اما وجود آن در زبان فارسی باستان از طریق واژه مرکب *ušabāri-* صفت مرکب به معنی «سوار بر شتر، شتربرده» ثابت می‌شود که حالت مفعولی مفرد آن در کتیبه بیستون (ستون یکم سطر ۸۶-۸۷) به صورت *ušabārim* به کار رفته است. در لغتنامه حاضر اجزاء مستقل این دسته از واژه‌ها و اسامی مرکب با قید علامت ستاره روی آنها (نظیر *\*uša-*) در ردیف مداخل در ترتیب الفبایی خود شرح و به واژه‌های مرکبی که در ساختمان آنها به کار رفته‌اند، ارجاع داده شدند.

#### ه) ضبط صورت‌های صرفی برخی از لغات در ردیف مداخل

در کنار موارد مذکور گاه صورت‌های صرفی برخی از لغات نیز در ردیف مداخل ضبط شده‌اند. اینها در واقع صورت‌های بازساخته‌ای هستند که کنت و یا محققان پیش از او برای لغات آسیب‌دیده ارائه کرده بودند، اما تحقیقات بعدی نشان داده است که این بازسازی‌ها درست نبوده‌اند. با عنایت به اینکه کتاب کنت با عنوان «فارسی باستان، دستور زبان، متن‌ها و واژه‌نامه» که به سال ۱۹۵۳ منتشر شده است، هنوز هم در مراکز علمی یکی از منابع مهم در پژوهش‌های مربوط به فارسی باستان به شمار می‌آید، در نتیجه نادیده گرفتن این دسته از لغات بازساخته، موجب سردرگمی پژوهشگرانی می‌شد که علاوه بر لغتنامه حاضر، بدان کتاب نیز مراجعه می‌کنند؛ به همین لحاظ در مجموعه حاضر ترجیح داده شد تا این دسته از لغات نیز در ردیف مداخل ذکر شوند و پس از اشاره به سطرهای کتیبه‌هایی که در آنها بازسازی شده بودند و توضیح رأی کنت در باره معنی و اشتقاق و حالات دستوری آنها، به مداخل‌هایی ارجاع داده‌شوند که سپس‌تر به جای آنها

بازسازی شده‌اند و قرائت صحیح این لغات محسوب می‌شوند.

### (و) واج‌نویسی لغات و شواهد:

در واج‌نویسی لغات فارسی باستان و شواهد منقول از متون موجود، شیوه سنتی، با تغییرات جزئی که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود، مورد استفاده قرار گرفت:

۱-  $r$  هجایی که در متن کتیبه‌ها در موضع آغازین با  $a + r^3$  و در موضع میانی از طریق نویسه صامتی  $a$  دار  $r^3 + a$  به نمایش در می‌آید، به صورت  $ar$  نشان داده شد، به عنوان مثال املاي  $m^a-r^3-t^a-k^a$  که کنت آن را  $kartam$  و اشمیت  $krtam$  واج‌نویسی کرده‌اند، در لغتنامه حاضر به صورت  $kartam$  واج‌نویسی شد.

۲- صامت‌های خیشومی  $n$  و  $m$  که در خط میخی فارسی باستان پیش از صامت‌های دیگر نوشته نمی‌شدند، به صورت زبرزنجیری نشان داده شدند. مثلاً املاي  $b^a-d^a-k^a$  به صورت  $ba^daka$  و املاي  $k^a-b^a-u-z^i-i-y^a$  به صورت  $Ka^mbūjiya$  واج‌نویسی شدند. ظاهر کردن  $n$  و  $m$  در زنجیره واجی لغات در چنین موضعی، یعنی واج‌نویسی املاهای مذکور به صورت  $bandaka$  و  $Kambūjiya$  چنانکه اشمیت بدان عمل کرده است، شاید قدری دور از احتیاط علمی باشد؛ چه بعید به نظر نمی‌رسد که مصوت  $a$  پیش از  $n$  و  $m$  محذوف در این مورد و موارد مشابه دیگر، مصوتی غنه بوده باشد و شاید دلیل به کتابت در نیامدن صامت‌های مذکور در چنین موضعی، اصلاً همین امر بوده است.

۳- رعایت احتیاط را، صامت  $h$  پیش از مصوت  $u$  نیز که در خط میخی فارسی باستان نوشته نمی‌شود، به صورت زبرزنجیری نشان داده شد، مانند  $umartiya^h$  و  $Dārayava^huš$ : صامت  $h$  پیش از  $u$  در فارسی باستان، ظاهراً در گویشی که در کتیبه‌ها انعکاس یافته، تلفظ نمی‌شده است؛ لیکن در گویشی از فارسی باستان این صامت پیش از  $u$  نیز تلفظ می‌شده است؛ شاهد این مدعا نام خاص  $Vahuka$ ، نام پدر  $Ardumaniš$  در کتیبه بیستون، ستون ۴ سطر ۸۶ است. دلیلی ندارد که این نام،  $Vahauka$  خوانده شود و با پسوند  $-ka$  مشتقی از درجه غنه  $va^hu$  به شمار آید. اما از نمایش زبرزنجیری  $h$  و همچنین  $t$  در پایان واژه که شناسه افعال و یا پایانه صرفی برخی از حالات دستوری بودند، پرهیز شد؛ به این دلیل که به احتمال قریب به یقین این صامت‌ها در پایان واژه دیگر تلفظ نمی‌شدند و یقیناً به همین دلیل هم به کتابت در نیامده‌اند.

در پایان به لحاظ ابراز حق‌شناسی و ادای وظیفه بر خود فرض می‌دانم زحمات همه دوستان و همکاران گرانمایه را که در مراحل مختلف اجرای این پژوهش همواره از

مساعدهت‌ها و یاورى‌هاى بى‌دریغ آنان بهره‌مند بودم، سپاس گویم، بویژه مهربانى‌هاى دوست دیرینم خانم دکتر فرح زاهدی (عضو هیأت علمى کتابخانه‌ى ملی ایران) را فراموش نمى‌توانم کرد که سخاوتمندانه بسیاری از منابع و مآخذ مورد نیاز را تهیه و در اختیارم قرار دادند؛ دوست و همکار گرانقدرم، جناب آقای دکتر محمدحسن جلالیان (دانشیار دانشگاه تبریز) با سعه صدر و گشاده‌رویی و صرف وقت، این مجموعه را از آغاز تا انجام با دقت مطالعه کردند و نکات بسیار سودمندی یادآور شدند؛ خانم دکتر محبوبه مهدی‌پور رابری، دانش‌آموخته فرهنگ و زبان‌هاى باستانی ایران، با شکیبایی شایان تحسین و دقتی وسواس‌آمیز به بازخوانی متن کتاب و کنترل نمایه‌ها و اژه‌ها پرداختند؛ زحمات این یاران گرامی را ارج می‌نهم و دین‌شان را بر ذمه خود هرچند ادا نتوانم کرد، سپاس می‌گویم. سرانجام باید سپاسگزار زحمات و مساعی بی‌وقفه آقای سلیمان مختاری، مدیر محترم انتشارات آوای خاور باشم که با انگیزه معرفى فرهنگ پربار و غنی ایرانی، به نشر آثار مربوط به تاریخ، فرهنگ و زبان‌هاى ایرانی همّت گماشته‌اند. توفیق ایزدی دلیل راهشان باد.

چنگیز مولایی

دانشگاه تبریز، خرداد ماه ۱۳۹۹



## اختصارات

الف) علایم اختصاری کتیبه‌ها:

AmH = Ariaramne, Hamadan	اریارمنه، همدان
AsH = Arsame, Hamadan	ارشامه، همدان
A <sup>1</sup> P = Artaxerxes I, Persepolis (a-b)	اردشیر اول، تخت جمشید (کتیبه‌های a الی b)
A <sup>2</sup> B = Artaxerxes II, Babylon (a-e)	اردشیر دوم، بابل (کتیبه‌های a الی e)
A <sup>2</sup> H = Artaxerxes II, Hamadan (a-d)	اردشیر دوم، همدان (کتیبه‌های a الی d)
A <sup>2</sup> S = Artaxerxes II, Susa (a-e)	اردشیر دوم، شوش (کتیبه‌های a الی e)
A <sup>3</sup> P = Artaxerxes III, Persepolis (a-b)	اردشیر سوم، تخت جمشید (کتیبه‌های a الی b)
A <sup>3</sup> S = Artaxerxes III, Susa	اردشیر سوم، شوش
CM = Cyrus, Murghab (a-c)	کوروش بزرگ، مرغاب (کتیبه‌های a الی c)
DB = Darius, Behistan 1-5; a-k	داریوش بزرگ، بیستون (ستون‌های ۱-۵ و کتیبه‌های کوچک a الی k)
DE = Darius, Elvend	داریوش بزرگ، الوند
DG = Darius, Gherla	داریوش بزرگ، گرلا (رومانی)
DH = Darius, Hamadan	داریوش بزرگ، همدان



DK = Darius, El-Khargeh	داریوش بزرگ، الخارجه (مصر)
DM = Darius, Murghab (a-b)	داریوش بزرگ، مرغاب (کتیبه‌های a الی b)
DN = Darius, Naqsh-I Rostam (a-e)	داریوش بزرگ، نقش رستم (کتیبه‌های a الی e)
DP = Darius, Persepolis (a-j)	داریوش بزرگ، تخت جمشید (کتیبه‌های a الی j)
DS = Darius, Susa (a-z and aa-ad)	داریوش بزرگ، شوش (کتیبه‌های a الی z و aa الی ad)
DZ = Darius, Suez (a-f)	داریوش بزرگ، سوئز (کتیبه‌های a الی f)
D <sup>2</sup> H = Darius II, Hamadan (a-b)	داریوش دوم، همدان (کتیبه‌های a الی b)
D <sup>2</sup> S = Susa (a-c)	داریوش دوم، شوش (کتیبه‌های a الی c)
SA <sup>1</sup> = Artaxerxes I, Inscriptions on Seals (a-b)	اردشیر اول (کتیبه‌های روی مهرهای a الی b)
SA <sup>3</sup> = Artaxerxes III, Inscription on Seal	اردشیر سوم، کتیبه روی مهر
SD = Darius, Inscriptions on Seals (a-h)	داریوش بزرگ، (کتیبه‌های روی مهرهای a الی h)
SX = Xerxes, Inscriptions on Seals (a-g)	خشایارشا، (کتیبه‌های روی مهرهای a الی g)
SD <sup>2</sup> = Darius II, Inscriptions on Seal	داریوش دوم، کتیبه روی مهر
XE = Xerxes, Elvend	خشایارشا، الوند
XF = Xerxes, Faqous	خشایارشا، فاقوس (مصر)
XH = Xerxes, Hmadan	خشایارشا، همدان
XI = Incerto loco	خشایارشا، محل نامعلوم
XP = Xerxes, Persepolis (a-s)	خشایارشا، تخت جمشید (کتیبه‌های a الی s)
XS = Xerxes, Susa (a-e)	خشایارشا، شوش (کتیبه‌های a الی e)
XV = Xerxes, Van	خشایارشا، وان
VA <sup>1</sup> = Artaxerxes I, Vessel Inscriptions (a-g)	اردشیر اول، کتیبه‌های ظروف (a الی g)
VD = Vessel Inscriptions (a-d)	داریوش بزرگ، کتیبه‌های ظروف (a الی d)

VX = Vessel Inscriptions (a-s)

WD = Darius, Inscriptions on Weights (a-g)

خشایارشا، کتیبه‌های ظروف (a الی s)

داریوش، کتیبه‌های وزنه‌ها (a الی g)

ب) علایم اختصاری اصطلاحات:

a. = active

Acc. = Accusative

Aor. = aorist

Caus. = causative

Du. = dual

Gen. = Genetive

Imf. = imperfect

Imp. = imperative

Ind. = indicative

Inj. = injunctive

Ins. = Instrumental

Loc. = Locative

M. = middle

Man. = Manichean

Nom. = Nominative

Opt. = Optative

Plur. = plural

PPP. = past passive participle

Pass. = passive

Pres. = present

Pron. = pronoun

Sb. = substantive

Sg. = singular

گذرا

حالت مفعولی

ماده ماضی

سببی

مثنی

حالت اضافی

فعل ماضی استمراری

فعل امر

اخباری

فعل انشایی

حالت مفعولی معه

مفعولی فیه

ناگذر

(فارسی میانه) مانوی

حالت فاعلی

تمنایی

جمع

صفت مفعولی گذشته

ماده مجهول

ماده مضارع

ضمیر

اسم

مفرد

Sig. Aor. = Sigmatic Aorist

ماضی سین‌دار

S.v. = sub verbo

هم. = ذیل همین ماده

ZMP = Zoroastrian Middle Persian

فارسی میانه زردشتی

## ج) نشانه‌ها:

[ ] این علامت برای نشان دادن نویسه یا نویسه‌هایی به کار رفته است که در متن کاملاً از بین رفته‌اند و بازسازی آن نویسه یا نویسه‌ها از روی قراین دیگر میسر شده است.

^ ^ این علامت برای نشان دادن نویسه یا نویسه‌هایی به کار رفته است که کاملاً از بین نرفته‌اند و آثار و نشانی از نویسه یا نویسه‌های مورد نظر برجای مانده است.

( ) در واج‌نویسی برای نشان دادن واجی به کار رفته که نویسه مربوط به آن به علت نقص املا و یا برخی از دلایل کتابتی در متن کتیبه نیامده است.

• این علامت که در حرف‌نویسی شواهد، در کنار برخی از نویسه‌ها دیده می‌شود، نشانگر آثار و نشان قلم کاتب است که درست در این موضع، شروع به نقر نویسه مورد نظر خود کرده، اما به علت سختی سنگ، از نقر نویسه در آن قسمت منصرف شده، و با قدری فاصله، تقریباً به اندازه یک حرف، اقدام به نقر نویسه مورد نظر خود، کرده است.

← رجوع کنید.

## معادل انگلیسی برخی از اصطلاحات

inchoative	آغازی
indicative	اخباری
substantive	اسم
agent noun	اسم عامل
augment	افزایهٔ ماضی ساز
subjunctive	التزامی
injunctive	انشایی
voice	باب
primary suffix	پسوند اولیه
secondary suffix	پسوند ثانویه
prefix	پیشوند
preverb	پیشوند فعلی
optative	تمنایی
genitive case	حالت اضافی
nominative case	حالت فاعلی
accusative case	حالت مفعولی
ablative case	حالت مفعولی عنه
locative case	حالت مفعولی فیه
dative case	حالت مفعولی له
instrumental case	حالت مفعولی معه
vocative case	حالت ندایی

subordinating conjunction	حرف ربط پیرو ساز
coordinating conjunction	حرف ربط همپایه ساز
causative	سببی / واداری
consonant	صامت
future active participle	صفت فاعلی آینده
past active participle	صفت فاعلی گذشته
present active participle	صفت فاعلی مضارع گذرا
present middle participle	صفت فاعلی مضارع ناگذر
past passive participle	صفت مفعولی گذشته
future passive participle	صفت مفعولی آینده
patronymic	صفت نسبی
indeclinable	غیر منصرف
active	گذرا
intransitive	لازم
tense-stem	ماده
denominative	ماده مضارع جعلی
ao rist	ماضی
imperfect	ماضی استمراری
non sigmatic aorist	ماضی بی سین
sigmatic aorist	ماضی سین دار
perfect	ماضی نقلی
transitive	متعدی
passive	مجهول
vowel	مصوت / واکه
absolutive	مفعول مطلق
middle	ناگذر
noun	نام
dissimilation	ناهمگون سازی
phoneme	واج
mood	وجه
assimilation	همگون سازی

بخش نخست:

فهرست لغات کتیبه های فارسی باستان







- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥 : a-k<sup>u</sup>-u-t-a = akutā → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦 : a-k<sup>u</sup>-u-n-a = akunā → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧 : a-k<sup>u</sup>-u-n-a-m = akunām → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨 : a-k<sup>u</sup>-u-n-i-y = akunaiy → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩 : a-k<sup>u</sup>-u-n-u-š = akunauš → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪 : a-k<sup>u</sup>-u-n-v = akunava → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫 : a-k<sup>u</sup>-u-n-v-t-a = akunava<sup>n</sup>tā → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬 : a-k<sup>u</sup>-u-n-v-m = akunavam → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭 : a-k<sup>u</sup>-u-n-v-y-t-a = akunavaya<sup>n</sup>tā → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮 : a-k<sup>u</sup>-u-n-v-š = akunavaša → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯 : a-k<sup>u</sup>-u-m-a = akumā → kar-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰 : a-x-y-a-y-a = ahyāyā → <sup>1</sup>a- (Pron.)
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱 : a-x-š-i-n = axšaina
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲 : a-x-š-t-a = axšatā
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳 : a-x-š-n-u-v-i-y = āxšnavaīy → xšnav-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴 : a-x-š-n-v-a-h-y = āxšnāvāhaiy → xšnav-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵 : a-x-š-n<sup>u</sup>-u-d<sup>i</sup>-i-y = āxšnudiīy → xšnav-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶 : a-x-š-n<sup>u</sup>-u-m<sup>i</sup>-i-y = āxšnumiīy → xšnav-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷 : a-g-u-b-t-a = agaubatā / agauba<sup>n</sup>tā → gaub-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸 : a-g-r-i-y = agrīya
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹 : a-g-r-i-y-a-n-a-m = agrīyānām
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺 : a-g-r-b-a-y = aḡarbāya → grab-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻 : a-g-r-b-a-y-t-a = aḡarbāyatā → grab-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼 : a-g-r-b-a-y-m = aḡarbāyam → grab-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽 : a-g-r-b-i-y = aḡrabiya → grab-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽𐎾 : a-g<sup>u</sup>-u-r-u-m = agurum
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽𐎾𐎿 : a-c-i-y = aciīy
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽𐎾𐎿𐏀 : a-j = aja → gan-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽𐎾𐎿𐏀𐏁 : a-j-n-i-y = ajaniya → gan-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽𐎾𐎿𐏀𐏁𐏂 : a-j-n-m = ajanam → gan-
- 𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽𐎾𐎿𐏀𐏁𐏂𐏃 : a-j-m<sup>i</sup>-i-y-a = ājamiyā → gam-

- 𐎠𐎡𐎴𐎡𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-<sup>j</sup>i-i-v-t-m = ajīvatam → gay-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎡𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-t-a-v-y-m = atāvayam → tav-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-t-i-y-a-i-š = atiyāiš → ay-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-t-r = a<sup>n</sup>tar  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴 : a-t-r-s = atarsa → çah-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴 : a-θ-i-y = aθaiy  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-i-y-a-b-u-š-n-h-y-a = Āθiyābaušnahyā  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-u-r-a = Aθurā  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-u-r-a-y-a = Aθurāyā  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-u-r-i-y = Aθuriya  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-g-i-n = aθa<sup>n</sup>gaina  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-g-i-n-a-m = aθa<sup>n</sup>gainām  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-g-i-n-i-y = aθa<sup>n</sup>gainiya  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-g-i-n-m = aθa<sup>n</sup>gainam  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-g-m = aθa<sup>n</sup>gam  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-m-i-t = Aθamaita  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-v-a = aθauca (?) → θauk-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-h = aθa<sup>n</sup>ha → θa<sup>n</sup>h-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-h-i-y = aθa<sup>n</sup>hya → θa<sup>n</sup>h-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-h-m = aθa<sup>n</sup>ham → θa<sup>n</sup>h-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-θ-h-y = aθa<sup>n</sup>hya → θa<sup>n</sup>h-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-ç-i-n = Āçina  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-ç-i-n-m = Āçinam  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-ç-i-y-a-d<sup>i</sup>-i-y-h-y = Āçiyādiyahya  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-d-a = adā (adv.) / adā (vb.) → <sup>2</sup>dā-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-d-a-n-a = adānā → dan- / xšnā-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-d-a-r-i-y = adāriya / adāraya → dar-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-d-a-r-y = adāraya → dar-  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-d-k-i-y = adakaiy  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-d-t-i-y = ada-taiy  
 𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠𐎴𐎠 : a-d-d-a = adadā → <sup>2</sup>dā-